

ساختار و نقش شرکت‌های مدیریت جمعی در حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار و مجریان در حقوق فرانسه

ستار زرکلام*

(دریافت ۱۳۹۵/۳/۲۴ - پذیرش ۹۵/۱۰/۱۶)

چکیده

بدون تردید فرانسه اولین کشوری است که در صدد مدیریت جمعی حقوق پدیدآورندگان و صاحبان حقوق مالکیت ادبی و هنری برآمده است. مدیریت حقوق مالکیت ادبی و هنری در چهارچوب شرکت‌های مدنی مدیریت جمعی (شرکت‌های دریافت و توزیع حقوق) انجام می‌پذیرد، هرچند این شرکت‌ها از برخی قواعد شرکت‌های تجاری نیز الهام می‌گیرند. ساختار شرکت‌های مدیریت جمعی در حقوق فرانسه دارای برخی ویژگی‌ها در مقایسه با سایر شرکت‌های مدنی است. نقش شرکت‌های مدیریت حقوق در یک جمله مدیریت بهینه حقوقی است که پدیدآورندگان آثار یا سایر دارندگان حقوق مالکیت ادبی و هنری از آن برخوردارند. این نقش از ورای سه نوع رابطه قراردادی مختلف متجلی می‌شود؛ رابطه شرکت مدیریت جمعی با اعضا، رابطه این شرکت‌ها با کاربران و رابطه بین شرکت‌های مدیریت جمعی با یکدیگر. انتقال تجربیات حقوق فرانسه به حقوق ایران می‌تواند با در نظر گرفتن ویژگی‌های حقوق داخلی و نیازهای فرهنگی مفید تلقی شود.

واژگان کلیدی: شرکت مدیریت جمعی، شرکت‌های دریافت و توزیع حقوق، شرکت مدنی، حق مؤلف، حقوق مجاور، حقوق رقابت، حق دسترسی به اطلاعات.

مقدمه

در هر گونه مباحثه حقوقی راجع به مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط، مطالعه حقوق فرانسه دارای اهمیت فراوانی است. در واقع، فرانسه اولین کشوری است که شرکت‌های مدیریت جمعی در آن شکل گرفته و به تدریج به کشورهای دیگر توسعه یافته است.^۱ به لحاظ تاریخی مدیریت جمعی حقوق پدیدآورندگان در فرانسه با ایجاد دفتر قانون‌گذاری هنرهای نمایشی در سال ۱۷۷۶ آغاز شده است. در واقع، ژان پیر بومارشه موسیقی‌دان و شاعر فرانسوی نخستین کسی است که ایده گردهم آوردن نیروی پدیدآورندگان را در درون یک شرکت با هدف کاستن از ضعف آنان در مذاکرات قراردادی، مبارزه بر علیه شبیه‌سازی و سرانجام به منظور نمایندگی از پدیدآورندگان در قبال قوای عمومی و سازمان‌های حرفه‌ای بهره‌برداری مطرح کرد. بدین ترتیب با تلاش‌های این شخص قدیمی‌ترین شرکت مدیریت جمعی در سال ۱۸۲۹ شکل گرفت. چند سال بعد انوره دو بالزاک، الکساندر دوما و ویکتور هوگو به همراه تعداد دیگری از نویسندگان فرانسوی موفق شدند نظر نویسندگان را به گردهم آمدن در لوای یک شرکت جلب کنند، امری که منجر به تشکیل شرکت اهل ادب شد که اولین مجمع عمومی آن در سال ۱۸۳۷ برگزار گردید. این شرکت هنوز نیز وجود دارد ولی نه بصورت شرکت مدیریت جمعی بلکه در قالب یک مؤسسه. اما تأسیس اولین شرکت واقعی دریافت و توزیع حقوق به سال ۱۸۴۷ یعنی به زمانی بر می‌گردد که دو آهنگ‌ساز به نام‌های پل هنریون و ویکتور پاریزو و یک نویسنده به نام ارنست بورژ با حمایت ناشران خود برای بنیان‌گذاری چنین شرکتی تلاش کردند.^۲

در عصر حاضر و بر اساس آماری که در سال ۲۰۰۹ منتشر شده بیش از ۳۰ شرکت مدیریت جمعی در زمینه حق مؤلف و حقوق مرتبط در فرانسه وجود دارند که جمع حقوق و دست‌مزدهای جمع‌آوری شده توسط این شرکت‌ها بالغ بر ۱/۵ میلیارد یورو بوده است. این شرکت‌ها پدیدآورندگان و مجریان آثار در زمینه‌های مختلف را گردهم آورده‌اند که از آن جمله می‌توان به شرکت آهنگ‌سازان و ناشران آثار موسیقایی، شرکت آهنگ‌سازان هنرهای نمایشی، شرکت پدیدآورندگان چند رسانه‌ای، شرکت دریافت و تقسیم حقوق نمایش عمومی فیلم‌های سینمایی اشاره کرد.^۳ با الهام از فرانسویان سایر کشورهای غربی نیز از ایده سازمان‌های مدیریت جمعی

۱. ماشوتل، بنو، (۱۳۸۵)، "مدیریت جمعی آثار موسیقایی" مندرج در سخنرانیها و مقالات همایش ملی بررسی حقوق مالکیت ادبی و هنری، زیر نظر م. ش. شکیب، خانه کتاب، صص. ۱۴۸-۱۵۴.

۲. Bertrand R. André (2011-2012) *Droit d'auteur*, Dalloz action, Dalloz, p. 41.

۳. Ibid.

استقبال کردند و به تدریج در اغلب کشورهای پیشرفته صنعتی جایگاه واقعی خود را در حمایت از حقوق پدیدآورندگان و مجریان آثار پیدا کردند^۱.

در حال حاضر مواد ۱-۳۲۱ الی ۱۳-۳۲۱ قانون مالکیت فکری فرانسه به شرکت‌های دریافت و توزیع حقوق^۲ اختصاص یافته است. حدود ۱۵ ماده نیز به عنوان مقررات آیین نامه‌ای قانون تدوین شده است.

برای آشنایی با حقوق فرانسه در زمینه مدیریت جمعی حقوق نقش‌های چند جانبه این شرکت و مقررات عمده ناظر بر تشکیل و فعالیت این شرکت‌ها (گفتار اول)، رابطه بین اشخاص ذینفع در شرکت‌های مدیریت جمعی (گفتار دوم) و در پایان به منظور بهره برداری از نتایج این تحقیق، ملاحظات مرتبط با انتقال تجربیات حقوق فرانسه به حقوق ایران (گفتار سوم) مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

گفتار اول - نقش شرکت‌های مدیریت جمعی و مقررات کلی ناظر بر تشکیل و فعالیت آنها

الف) نقش چند جانبه شرکت‌های مدیریت جمعی: شرکت‌های مدیریت جمعی یا دریافت و توزیع حقوق در حقوق فرانسه نقش‌های متعددی را ایفا می‌کنند که در کمتر شرکت مدنی یا تجاری نظیر آن دیده می‌شود. این نقش‌ها عبارتند از:

۱- نقش سیاسی: شرکت‌های مدیریت جمعی قبل از همه در سیاست‌های فرهنگی ایفای نقش می‌کنند، بدین معنا که هدف آنها ایجاد تعادل بین حق دسترسی عموم به اطلاعات و حق حمایت مؤثر از آفرینش‌های فکری است. این شرکت‌ها باید مراقبت کنند تا این تعادل به ضرر پدیدآورندگان آثار بهم نخورد. هیچ دلیلی وجود ندارد که فرهنگ بصورت رایگان و به ضرر منافع مشروع پدیدآورندگان غنای فرهنگی به عموم اعطا شود. همانند اموال مرتبط با نیازهای اولیه، مصرف کننده باید برای دسترسی به محصول فکری یا خدمات فرهنگی مورد نظر خود مبلغی پردازد همان‌طور که برای تهیه نان روزانه خود باید و جوهی را پردازد.

۲- نقش حقوقی: شرکت‌های مدیریت جمعی اعضای خود را در مدیریت انفرادی‌شان نمایندگی

۱. برای ملاحظه مراحل پیشرفت این سازمان‌ها نک. پورمحمدی، شیمیا "حق مؤلف و حقوق مرتبط در سازمان‌های مدیریت جمعی"، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۴۵، ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری ۱۹۳۱، صص. ۴۹ و ۵۰.

۲. Sociétés de perception et de redistribution du droit d'auteur (SPRD).

می‌کنند و از این طریق نقشی حقوقی ایفا می‌کنند. در واقع، شرکت‌های مدیریت جمعی مشاور ممتاز اعضای خویش هستند. این شرکت‌ها باید انواع قراردادها و شروط نمونه‌ای بمنظور تأمین منافع پدیدآورندگان و صاحبان حقوق ارائه کنند و باید برای پذیرش این قراردادها و شروط توسط ناشران یا تهیه‌کنندگان با آنان مذاکره کنند. پرداخت دستمزد این خدمات بصورت کمیسیون که در جریان استفاده از آثار دریافت می‌شود صورت می‌گیرد.

۳- نقش اقتصادی: دریافت و توزیع وجوه مرتبط با حقوق پدیدآورندگان و مجریان آثار دلیل وجودی شرکت‌های مدیریت جمعی است. این شرکت‌ها هم‌چنین در آمد مشروع تلاش‌های فکری را که موجب غنای فرهنگی می‌شود تضمین می‌کنند. به‌علاوه، شرکت‌های پدیدآورندگان و مجریان آثار برای دست‌اندرکاران گوناگون در بهره‌برداری اقتصادی از آثار امنیت حقوقی ایجاد می‌کند و بدین ترتیب شرایط مبنایی برای توسعه اقتصادی آنان را فراهم می‌کند.

۴- نقش اجتماعی: پدیدآورندگان و مجریان آثار اصولاً زندگی نامنظمی دارند و در نتیجه درآمدهای آنها نیز نامنظم است. کار آنان با توقعات ساختارهای اجتماعی که توسط قوای عمومی پایه‌ریزی می‌شود هم‌خوانی ندارد. شرکت‌های مدیریت جمعی به‌خوبی عادات، محاسن و معایب اشخاص مورد حمایت خود یعنی خالقان و مجریان آثار را می‌شناسند و از آنان در مقابل خودشان حمایت می‌کنند. این شرکت‌ها اعضای خود را و می‌دارند تا به روز مبادا بی‌اندیشند. شرکت‌های مدیریت جمعی با کسر درصدی از وجوه دریافتی از بابت حقوق پدیدآورندگان و مجریان آثار به آنان به هنگام بروز سه‌رویداد انسانی یعنی بیماری، پیری و مرگ یاری می‌رسانند. این سیستم بر مبنای همبستگی بین دارا و ندار عمل می‌کند.

۵- نقش فرهنگی: نقش فرهنگی شرکت‌های مدیریت جمعی به قدری روشن است که شاید نیازی به بیان آن نباشد. با حمایت از پدیدآورندگان و مجریان آثار، این شرکت‌ها آفرینش غنای فرهنگی را هوشمندانه به حرکت وامی‌دارند و به حفظ هویت فرهنگی یاری می‌رسانند. پدیدآورندگان بدون حقوق و غنای فرهنگ بدون پدیدآورندگان جدید هر دو به نیستی می‌انجامد.^۱

ب) مقررات عمده ناظر بر تشکیل و فعالیت شرکت‌های مدیریت جمعی: شکل‌گیری و

۱. Schepens, Paula, (2000), *Guide sur la gestion collective des droits d'auteur*, Imprimé par UNESCO. <http://unesdoc.unesco.org/images/0012/001206/120677f.pdf>, p.16.

فعالیت شرکت‌های مدیریت جمعی حقوق در فرانسه از حیث ساختار و قواعد حاکم بر هر مرحله نیاز به مطالعه دارد.

۱- ساختار شرکت‌های مدیریت جمعی: شرکت تجاری یا بنگاه اقتصادی همانند دیگر بنگاه‌ها نیستند. این شرکت‌ها نه برای منافع خود که صرفاً برای منافع اعضا تشکیل می‌شوند. در نتیجه برخلاف برخی کشورها نظیر انگلستان و آمریکا که بنگاه‌های مدیریت جمعی در انتخاب ساختار حقوقی خود آزاد هستند و امکان تشکیل شرکت در قالب شرکت‌های تجاری هم وجود دارد، در حقوق فرانسه شرکت‌های مدیریت جمعی فقط در قالب شرکت‌های مدنی^۱ می‌توانند تأسیس شوند.^۲؟؟؟؟ به موجب ماده ۱۸۴۵ قانون مدنی فرانسه: " ...شرکت‌هایی که قانون به آنها عنوان دیگری به لحاظ شکل، ماهیت یا موضوعشان نداده است شرکت مدنی تلقی می‌شوند. به موجب ماده ۱۸۴۶ همان قانون، شرکت مدنی با یک یا چند شخص اعم از اینکه شریک باشند یا خیر و توسط اساس‌نامه تعیین شده باشد خواه با سند جداگانه یا با تصمیم شرکا اداره می‌شود. این شرکت‌ها در حقوق فرانسه بر خلاف حقوق ایران دارای شخصیت حقوقی هستند. مانند هر شرکت مدنی دیگر، شرکت‌های مدیریت جمعی تابع برخی قواعد ماهوی و شکلی هستند. به لحاظ ماهوی، موضوع این شرکت‌ها باید مدنی باشد و حتی به طور فرعی دارای عناصر تجاری نباشد و گرنه بصورت خودکار مالیات شرکت‌ها به آنها تعلق خواهد گرفت. از سوی دیگر، حداقل سرمایه در این شرکت‌ها ضروری نیست ولی سرمایه شرکت می‌تواند از صنعت شرکا تشکیل شود. به لحاظ شکلی این شرکت‌ها باید به ثبت برسند^۳ و همانند دیگر شرکت‌ها در حقوق فرانسه شخصیت حقوقی شرکت مدنی نیز از زمان ثبت آن آغاز می‌شود. مدیران این شرکت‌ها ممکن است از میان شرکا یا خارج از آن انتخاب شود، همان‌طور که مدیران می‌توانند اشخاص حقیقی یا حقوقی فرانسوی یا خارجی باشند. این مدیران ممکن است در اساس‌نامه یا تصمیمات بعدی شرکا باشند. سرانجام مدیران منتخب توسط اکثریت اعضا قابل عزل هستند مگر اینکه در اساس‌نامه به طریق دیگری پیش‌بینی شده باشد ولی عزل مدیران جز در مواردی که خلاف آن پیش‌بینی شده باشد موجب انحلال شرکت مدنی نمی‌شود.^۴

۱. Société civile.

۲. Colombet, Claude, (1997), *Propriété littéraire et artistique et droit voisin*, 8^{ème} éd. Dalloz, p.133.

۳. Cozian Maurice, Viandier Alain, (1997), *Droit des sociétés*, 2^{ème} éd. Litec., p. 479.

۴. Ibid. p.480.

شرکای این شرکت‌ها به موجب قانون باید پدید آورندگان آثار، مجریان آثار، تهیه کنندگان، ناشران یا صاحبان حقوق آنها باشند. قانون مالکیت فکری فرانسه مانع از عضویت اشخاص دارای حقوق متفاوت و ظاهراً متعارض نمی‌شود در نتیجه تشکیل شرکتی که اعضای آن ترکیبی از نویسندگان و ناشران یا بازیگران و تهیه کنندگان فیلم باشد ممکن است. به موجب ماده ۳-۳۲۱ قانون ملکیت فکری فرانسه طرح اساس نامه این شرکت‌ها باید به وزارت فرهنگ ارسال شود. در عمل اساس نامه شرکت‌های دریافت و تقسیم حقوق بایکدیگر تفاوت‌های عمده از حیث نحوه اداره و سازماندهی شرکت دارند. حقوقی که شرکت‌های مدیریت جمعی در صدد مدیریت آن هستند از یک سو حقوق مرتبط با تکثیر آثار و اجراها و از سوی دیگر حقوق مرتبط با عرضه آثار و اجراها به عموم است.

علی‌رغم ماهیت مدنی شرکت‌های مورد بحث، برخی از قواعد حاکم بر این شرکت‌ها از حقوق تجارت الهام می‌گیرند که به عنوان مثال می‌توان از ضرورت تعیین حسابرس نام برد که وظایفی مشابه با حساب‌رسان شرکت‌های تجاری دارند. هم‌چنین از آنجا که شرکت‌های مدیریت جمعی به ارائه خدمات به اعضای خود و به کاربران می‌پردازند قواعد حقوق رقابت بر فعالیت‌های این قبیل شرکت‌ها اعمال می‌شود.

۲- نقش کنترلی وزارت فرهنگ فرانسه در مرحله تشکیل شرکت‌های مدیریت جمعی: یکی از ویژگی‌های بارز شرکت‌های مدیریت جمعی حقوق در فرانسه این است که این شرکت‌ها از حیث تأسیس تحت کنترل وزارت فرهنگ آن کشور هستند. به موجب ماده ۳-۳۲۱ قانون مالکیت فکری فرانسه، " طرح اساس نامه و مقررات عمومی شرکت‌های دریافت و تقسیم حقوق باید به وزارت فرهنگ اعلام شود. وزیر فرهنگ ظرف دو ماه از تاریخ دریافت این مدارک می‌تواند با طرح دلایل واقعی و جدی در دادگاه با تشکیل چنین شرکت‌هایی مخالفت کند." در این صورت دادگاه، وصف حرفه‌ای مؤسسان این شرکت‌ها، ابزارهای انسانی و مادی که مؤسسان در نظر دارند برای تضمین پوشش حقوق و بهره‌برداری از فهرست شرکت‌های مزبور بکار گیرند، هم‌چنین مطابقت اساس نامه شرکت‌های یاد شده با مقررات عمومی و مقررات لازم الاجرا را ارزیابی می‌کند. وزارت فرهنگ هم‌چنین می‌تواند ابطال برخی مقررات اساس نامه، مقررات عمومی یا تصمیمات این شرکت‌ها را از دادگاه تقاضا کند.

با این حال، به جز شرکت‌هایی که بطور استثنایی باید با مجوز وزارت فرهنگ فرانسه تأسیس شوند سایر شرکت‌های مدیریت جمعی نیازی ندارند برای تشکیل از وزارت فرهنگ کسب

اجازه کنند، هر چند همان‌طور که گفته شد وزارت فرهنگ می‌تواند حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ وصول اساس‌نامه این شرکت‌ها می‌تواند از طریق طرح دعوا در دادگاه با تأسیس این شرکت‌ها مخالفت نماید. به‌عنوان مثال وزارت فرهنگ فرانسه با تشکیل شرکت‌های مدیریت جمعی در زمینه مدیریت الکترونیکی بر خط و در زمان واقعی مجموعه حقوق عرصه موسیقی مخالفت کرده است.

ب) فعالیت شرکت‌های مدیریت حقوق

۱- موضوع فعالیت شرکت‌های مدیریت جمعی: شرکت‌های مدیریت جمعی حقوق را می‌توان نوعی تشکل صنفی پدیدآورندگان و اجرا کنندگان آثار دانست. با این همه در مقایسه با تشکل‌های صنفی که کارکردهای گسترده‌تری نظیر حمایت از حقوق مادی پدیدآورندگان، استقرار و تحکیم اخلاق حرفه‌ای و تلاش برای تکمیل و اصلاح قوانین مرتبط با مالکیت ادبی و هنری دارند^۱، شرکت‌های مدیریت حقوق جمعی وظایف محدودتر و مشخص‌تری دارند. این شرکت‌ها در فرانسه همانند سایر کشورها کارکردهای کم و بیش مشابهی را ایفا می‌کنند. در واقع مهم‌ترین تکلیف این شرکت‌ها در قبال اعضای خویش، دریافت و سپس توزیع منافع مالی و مادی مرتبط با حقوق پدیدآورندگان آثار و مجریان بین آنان است. حقوقی که شرکت‌های مورد بحث بطور مشخص می‌توانند در صدد حمایت و نهایتاً تحصیل منافع مادی از آن و توزیع بین صاحبان حقوق باشند عبارتند از:

- حق اجرا: شامل اجراهای عمومی، حق پخش رادیویی، حق ارائه به عموم با سایر ابزارها؛
- حق تجویز ضبط آثار صوتی بویژه آثار موسیقایی؛
- حق نمایش عمومی آثار نمایشی یا نمایشی - موسیقایی؛
- حق تعقیب^۲ در خصوص آثار هنرهای تجسمی نظیر نقاشی، گرافیک و ...^۳
- حق عرضه به عموم برنامه‌های رادیویی؛
- حق تکثیر کپی شخصی از آثار صوتی - تصویری؛
- حق اجاره عمومی و امانت آثار صوتی و آثار صوتی - تصویری؛

۱. اعظم بیگی، علی، (۱۳۸۱)، "نگاهی به عملکرد تشکل‌های صنفی در حوزه حق مؤلف"، مندرج در سخنرانی‌ها و مقالات بررسی حقوق مالکیت ادبی و هنری، زیر نظر سعید حبیب و مرتضی شفیع شکیب، خانه کتاب، صص. ۲۴۵-۲۶۸..

۲. Droit de suite.

۳. زر کلام، ستار، (۱۳۸۷)، حقوق مالکیت ادبی و هنری، انتشارات سمت، چاپ اول صص. ۱۶۵-۱۷۲..

- حق تکثیر مجدد آثار ادبی و گرافیک؛

- حق پخش رادیویی^۱.

۲- نظارت بر فعالیت شرکت‌های مدیریت جمعی: در آنچه به فعالیت شرکت‌های مدیریت حقوق یا دریافت و توزیع حقوق مربوط می‌شود از یک سو شرکت‌های دریافت و تقسیم حقوق تابع مقررات ماده ۷-۳۲۱ قانون مالکیت فکری آن کشور و مواد ۱-۳۲۱ تا ۷-۳۲۱ مقررات آیین نامه‌ای هستند. بر اساس مجموع این مقررات شرکت‌های مدیریت جمعی مکلفند:

- حداقل یک حساب‌رس انتخاب کنند؛

- حساب‌ها، گزارش‌های شورای اداری شرکت و قطعنامه‌های پیشنهادی به شورای اداری را به هر عضوی که آنرا درخواست کند ارسال نماید؛

- گزارش حساب‌های خود را به وزارت فرهنگ تسلیم نماید.

از سوی دیگر به موجب قانون اول اوت ۲۰۰۱ کمیسیون دائمی برای کنترل شرکت‌های دریافت و تقسیم حقوق تأسیس شده که مقررات اصلی آن در ماده ۱۳-۲۳۱ قانون مالکیت فکری فرانسه منعکس شده است. این کمیسیون از ژوئیه ۲۰۰۱ حساب‌ها و مدیریت ۲۷ شرکت فرانسوی را از طریق گزارش سالیانه‌ای که در آن دریافت‌ها، نقطه نظرات و توصیه‌های کمیسیون در آن نوشته شده کنترل می‌کند. این گزارش‌ها به مجلس ملی و دولت فرانسه و به مجمع عمومی شرکت‌های دریافت و تقسیم حقوق ارائه می‌شود. در سال ۲۰۱۳ این کمیسیون ۱۰ گزارش راجع به شرکت‌های مدیریت جمعی پدیدآورندگان آثار، مجریان آثار و تهیه کنندگان منتشر کرده است.

هم‌چنین بر اساس ماده ۱۱-۳۲۱ قانون مالکیت فکری فرانسه، وزارت فرهنگ فرانسه انحلال شرکت دریافت و تقسیم حقوق را از دادگاه تقاضا کند و دادگاه فقط در نقض مقررات قانونی توسط این شرکت می‌تواند فعالیت شرکت را در بخشی خاص یا در یک شکل از بهره‌برداری منع کند.

گفتار دوم- رابطه اشخاص ذینفع در شرکت‌های مدیریت جمعی حقوق

توضیح و تبیین مختصر رابطه شرکت‌های مدیریت جمعی در وهله اول با اعضا یا شرکای خود،

۱. Fiscor, Mihaly, (2002) *Gestion collective du droit d'auteur et des droits connexes*, éd. WipoGenèves in <http://www.wipo.int/tools/fr/gsearch.html>, p. 134.

در مرتبه دوم با کاربران و سرانجام بین این شرکت‌ها می‌تواند در شناخت حقوق فرانسه در این زمینه مؤثر و مفید واقع شود.

الف) رابطه شرکت‌های مدیریت جمعی حقوق با اعضا

۱- ماهیت رابطه حقوقی شرکت‌های مدیریت جمعی با شرکاء: در خصوص ماهیت رابطه شرکت‌های مدیریت جمعی با پدیدآوردندگان آثار و دارندگان حقوق مرتبط دیدگاه دکترین حقوقی غالب در حقوق فرانسه این است که اشخاص یاد شده با پیوستن خود به شرکت‌های مدیریت جمعی مطابق شرایط مقرر در اساس‌نامه‌ی هر شرکت، به عضویت آن در می‌آیند. پیوستن صاحبان حقوق فکری به این شرکت‌ها با دو عمل حقوقی جداگانه صورت می‌گیرد. از یک سو، خرید بخشی از سرمایه شرکت یا "حق ورود" و از سوی دیگر، انتقال حقوق مالکیت فکری برای مدیریت آن توسط شرکت. این انتقال نوعی وکالت برای اداره تلقی می‌شود. در واقع پدید آورنده یا سایر صاحبان حقوق فکری حق بهره‌برداری از آثار موجود یا آتی خود را به شرکت مدیریت جمعی منتقل می‌کنند. مالکیت این حقوق منتقل می‌شود ولی صرفاً به صورت اعتباری. بدین معنا که شرکت مدیریت جمعی این حقوق را نه برای منافع خود که برای منافع انحصاری و به حساب شریکی که آنرا انتقال داده تحصیل می‌کند. در نتیجه عملیات نمی‌تواند آورده شرکت، وکالت یا انتقال موضوع حقوق عام تلقی شود بلکه باید آنرا انتقال اعتباری صرف توصیف کرد!

با اینهمه، در رویه قضایی فرانسه در خصوص رابطه بین شرکت‌های مدیریت جمعی و اعضای آن اتفاق نظر وجود ندارد. به‌عنوان مثال، دادگاه تجدید نظر شهر بردو^۲ در رای مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۸۶ خود در خصوص اساس‌نامه شرکت آهنگ‌سازان و ناشران موسیقی^۳ الحاق شرکا به شرکت را آورده آنان تلقی نکرده است. بر اساس این رأی: "از مقررات ماده ۱۸۳۲ و به بعد قانون مدنی استنباط می‌شود که منظور از آورده مال یا صنعتی است که شریک آنرا به دارایی شرکت منتقل می‌کند و بر اساس آن بخشی از سرمایه شرکت را به خود اختصاص می‌دهد به گونه‌ای که بهره‌برداری شریک از عواید شرکت را توجیه می‌کند. مطالعه اساس‌نامه شرکت آهنگ‌سازان و ناشران موسیقی نشان می‌دهد که عملیات حقوقی که از آن به‌عنوان آورده نام

۱. Pollaud-Dulian, Frédéric, (2005), *Le droit d'auteur*, (corpus pour droit privé) Economica. pp. 694-695.

۲. Bordeaux.

۳. Sociétés des compositeurs et des éditeurs de musique (Sacem).

برده شده، آورده به معنای مقررات قانونی یاد شده تلقی نمی‌شود^۱. در مقابل، دادگاه تجدید نظر پاریس در رأی مورخ ۲۷ مارس ۲۰۰۹ خویش، برخلاف دادگاه تجدید نظر بردو اظهار نظر کرده است: "پدیدآوردگانی که به شرکت آهنگ سازان و ناشران موسیقی ملحق شده اند و مجموعه حق مؤلف خود را به عنوان به این شرکت منتقل کرده اند نمی‌توانند شخصاً به عنوان آسیب به حقوق مالکانه مؤلف اقامه دعوا کنند مگر اینکه کوتاهی شرکت را در این مورد اثبات کنند. با این همه، دعوای پدید آورنده برای دفاع از حقوق معنوی خود قابل پذیرش است"^۲.

ماهیت ویژه انتقال حقوق در شرکت‌های مدیریت جمعی که بر اساس آن شرکت، حقوق مالکیت فکری اعضای خود را برای نیازهای مدیریتی و در راستای منافع صرف انتقال دهنده تحصیل می‌کند این امر را که چنین انتقالی می‌تواند ناظر به تمامی یا بخشی از آثار آینده‌ی اعضا باشد توجیه می‌کند بدون اینکه با مشکل ممنوعیت انتقال کلی حقوق در آینده مواجه شود^۳ زیرا هدف در اینجا حمایت از پدید آورنده است.^۴

۲- تعهدات شرکت‌های مدیریت جمعی در قبال شرکا: شرکت‌های مدیریت جمعی در برابر پدیدآورندگان و صاحبان حقوق مرتبط که عضو شرکت هستند سه تکلیف عمده دارند: دریافت حقوق و توزیع آن، تعقیب قضایی به نیابت از آنان و اطلاع رسانی به اعضا.

اول- تکلیف دریافت و توزیع حقوق اعضا: مهمترین تکلیف این شرکت‌ها که در واقع مهمترین کارکرد آنها را نیز تشکیل می‌دهد دریافت و توزیع مبالغی است که توسط شرکت در نتیجه قرارداد لیسانس یا قراردادهای مشابه به نفع شرکا وصول می‌شود. در حقوق فرانسه، شرکایی که حقوق خود را به آثار خویش را به شرکت‌های مدیریت جمعی منتقل می‌کنند دیگر مستقیماً از کاربران این آثار طلبکار نیستند بلکه باید طلب خود را از شرکت‌هایی که عضو آن هستند وصول کنند. این طلب، طلبی واحد و کلی نسبت به دستمزد است نه طلبی که در نتیجه قرارداد بهره‌برداری با کاربران حاصل شده باشد^۵. به همین دلیل نیز شرکت‌های مدیریت جمعی در حقوق فرانسه، شرکت‌های دریافت و توزیع حقوق نامیده می‌شوند.

۱. Bertrand, André. R, Op.cit., p. 425.

۲. Ibid.

۳. در اینجا اشاره به ماده ۱-۱۳۱ قانون مالکیت فکری فرانسه است که بر اساس آن "انتقال کلی آثاری که در آینده خلق خواهد شد باطل است". برای توضیحات بیشتر در مورد این ممنوعیت نک. ستار، زرکلام، (۱۳۸۷)، پیشین، صص. ۲۶۴-۲۶۵.

۴. Pollaud-Dulian, Frédéric Op:cit., p. 695.

۵. Ibid., same page.

دوم- تکلیف اقامه دعوا و تعقیب قضایی: شرکت‌های مدیریت جمعی که بطور قانونی تأسیس شده باشند نه تنها به دلیل برخورداری از شخصیت حقوقی برای دفاع از منافع خاص خود (نظیر دفاع از دارایی‌های شرکت) می‌توانند طرح دعوا کند بلکه در چارچوب اساس‌نامه شرکت اختیار دارند برای دفاع از منافع اعضای خود نیز طرح دعوا کنند. در یک تحلیل حقوقی، انتقال حقوق مالکیت فکری راجع به آثار و اجراهای اعضا به شرکت‌های مدیریت جمعی بدون تردید سمت لازم برای اقامه دعوا را برای این شرکت‌ها فراهم می‌سازد، اعم از اینکه دعوا مدنی یا کیفری باشد. برابر بند ۲ ماده ۱-۳۲۱ و بند ۲ ماده ۱-۳۳۱ قانون مالکیت فکری این شرکت‌ها می‌توانند (در محدوده موضوع شرکت) برای دفاع از منافع جمعی یا حرفه‌ای مجموعه شرکایی که به شرکت پیوسته‌اند از یک سو و برای دفاع از حقوق هر یک از شرکا بطور خاص راجع به حقوق آثار و اجراهاشان از سوی دیگر اقامه دعوا کنند.^۱ با این همه، شرکت‌های مدیریت جمعی فقط می‌توانند حقوق مالی اعضا را تحصیل کنند و حقوق معنوی پدیدآورندگان و مجریان آثار قابل انتقال به این شرکت‌ها نیست و اشخاص ذینفع باید شخصاً در این خصوص اقامه دعوا کنند. با این حال، برخی حقوقدانان فرانسوی بر این اعتقادند که منعی ندارد شرکت مدیریت جمعی در دعوی عضو راجع به حقوق معنوی اش به او بپیوندد یا در دعوی وراثت او به نفع آنان وارد شود زیرا این دعوی نیز با منافع جمعی اعضا مرتبط است. به نظر این دسته از حقوقدانان این شرکت‌ها حتی با سمت خواهان اصلی می‌توانند پس از مرگ پدیدآورنده یا مجری اثر یا زمانی که وراثت بصورت ناروا از دفاع از حقوق متوفی خودداری می‌کنند یا زمانی که پدیدآورنده یا مجری هیچ وارثی ندارد یا وراثت وی شناخته شده نیستند از حقوق معنوی آنان دفاع کنند.^۲

با توجه به فعالیت اجتماعی شرکت‌های دریافت و تقسیم حقوق، دعوی مرتبط با این فعالیت‌ها در صلاحیت دادگاه‌های مدنی قرار دارد و دادگاه‌های تجاری فاقد صلاحیت هستند. قراردادهایی که توسط این شرکت‌ها با بهره برداران آثار و اجراها منعقد می‌شوند از طرف شرکت‌های مدیریت جمعی دارای ماهیت مدنی و از طرف بهره برداران دارای ماهیت تجاری تلقی می‌شود.

سوم- تکلیف اطلاع رسانی به اعضا: اعضای شرکت‌های مدیریت جمعی حقوق از حق دسترسی به اطلاعات بسیار گسترده از آنچه که ماده ۱۸۵۵ قانون مدنی فرانسه بیان شده برخوردار هستند. ماده

^۱.Ibid., p.708.

^۲.Ibid, p.709.

۳۲۱-۵ قانون مالکیت فکری فرانسه پس از اصلاحات سال ۲۰۰۰ مقرر می‌دارد: "حق دسترسی به اطلاعات مذکور در ماده ۱۸۵۵ قانون مدنی^۱ در خصوص شرکت‌های مدنی تقسیم حقوق اعمال خواهد شد بدون اینکه یک شریک بتواند به تنهایی اطلاعات راجع به مبالغ تخصیص یافته به هر ذینفع دیگر بجز خود را کسب کند. دستورالعمل شورای دولتی نحوه اعمال این حق را مشخص خواهد کرد". شورای دولتی در سال ۲۰۰۱ در این مورد اعلام نظر کرده که در ماده ۲-۳۲۱ به بعد آیین نامه قانون مالکیت فکری منعکس شده است. بر اساس ماده اخیر: "هر عضوی در هر زمان می‌تواند از شرکت بخواهد که مدارک زیر را در اختیار او قرار دهد: ۱- فهرست نمایندگان شرکت؛ ۲- جدول حاکی از مبالغ دریافت شده و توزیع شده در مدت پنج سال که مبالغ سالیانه را نشان دهد، هم‌چنین مبالغ کسر شده برای مدیریت حقوق و سایر هزینه‌ها؛ ۳- سندی که قواعد ناظر به توزیع اعمال شده در آن درج شده باشد؛ ۴- مجموعه حقوقی که در ظرف ۱۲ ماه گذشته که در نتیجه قراردادهای منعقد شده با کاربران به عضو تعلق گرفته و روشی که این نتیجه بر اساس آن حاصل شده است". سایر مواد آیین نامه نیز ناظر بر حق اعضای شرکت‌های مدیریت جمعی برای حضور در مجامع عمومی شرکت و دسترسی به سایر اطلاعات مرتبط با فعالیت شرکت از جمله گزارش‌های ارگان‌های مدیریتی و بازرسی شرکت، قطعنامه‌های شرکت، مؤسساتی که شرکت در آنها عضویت دارد و فهرست انواع کاربران آثار و اجراها و... است.

سر انجام ماده ۶-۳۲۱ قانون مالکیت فکری فرانسه روش سنتی مرسوم در حقوق شرکت‌ها را برای اعمال کنترل شرکا بر فعالیت‌های شرکت مدیریت جمعی پیش‌بینی کرده است. این ماده مقرر می‌دارد: "هر گروه از شرکا که نماینده حداقل یک دهم از آنها باشد می‌تواند از دادگاه درخواست کند یک یا چند نفر کارشناس را برای ارائه گزارش در خصوص یک یا تعدادی از عملیات مدیریت شرکت تعیین کند... این گزارش به متقاضی... تسلیم می‌شود. گزارش اخیر به گزارش تنظیم شده توسط حسابرسان منضم می‌شود تا در اولین مجمع عمومی ارائه و به همان صورت نیز آگهی شود".

۲- رابطه شرکت‌های مدیریت جمعی حقوق با کاربران

در آنچه به رابطه بین شرکت‌های مدیریت جمعی و کاربران آثار و اجراهای موضوع مدیریت

۱. این ماده که در ذیل مقررات مرتبط با شرکت‌های مدنی آمده مقرر می‌دارد: "هر شریکی حق دارد حداقل یکبار در سال به دفاتر و اسناد شرکی دسترسی داشته باشد و کتباً پرسشهایی را در خصوص مدیریت شرکت مطرح کند و شرکت باید در ظرف یکماه کتباً به این پرسشها پاسخ دهد."

مربوط می‌شود وظیفه اصلی این شرکت‌ها مذاکره با کاربران به منظور دسترسی به فهرست آثار و اجرای پدیدآورندگان و دارندگان حقوق مجاور، تجویز بهره برداری از آنها و شرایط قراردادی و نحوه پرداخت ارزش محصولات فکری است. در چنین وضعیتی است که دخالت شرکت‌های مدیریت جمعی می‌تواند حداقل مانع از عدم تعادل در قراردادهایی شود که پدیدآورندگان و مجریان تنها را در مقابل بهره‌برداران تهدید می‌کند. بدین منظور شرکت‌های مدیریت جمعی از حق انعقاد هر گونه قرارداد بهره برداری نسبت به تمام یا بخشی از فهرست آثار و اجرای موضوع مدیریت برخوردارند ولی صرفاً در محدوده حقوقی که مدیریت آن توسط اعضا به شرکت سپرده شده است. بدین ترتیب یکی از مهمترین کارکردهای شرکت‌های مدیریت جمعی حقوق واگذاری حق بهره برداری از آثار و اجراها و برنامه‌هایی است که اعضای شرکت نسبت به آنها دارای حقوق هستند و اداره آن به شرکت‌های مدیریت جمعی سپرده شده است. این حقوق بطور معمول در قالب قراردادهای واگذاری حق بهره برداری یا قرارداد ليسانس به کاربران و استفاده کنندگان منتقل می‌شود.^۱

وظیفه اصلی شرکت‌های مدیریت جمعی حقوق مذاکره با کاربران آثار یا موضوعات حقوق مجاور با تدوین فهرست آثار و اجراها، تجویز حق بهره‌برداری، شرایط و پیش پرداخت‌هایی است که باید به حساب اعضای خود دریافت و توزیع کند. در اینجا است که دخالت این شرکت‌ها برای رفع عدم تعادل قراردادی که پدیدآورندگان و مجریان تنها را در قبال بهره‌برداران تهدید می‌کند مهم و اساسی شمرده می‌شود. در این چارچوب شرکت‌های مدیریت جمعی حقوق می‌توانند هر گونه قرارداد بهره‌برداری راجع به تمامی یا برخی از فهرست آثار و اجراها ولی در محدوده حقوقی که به این شرکت‌ها منتقل شده منعقد کنند.

۳- رابطه بین شرکت‌های مدیریت جمعی حقوق

رابطه بین شرکت‌های مدیریت جمعی حقوق ممکن است مبتنی بر همکاری یا رقابت باشد که بطور خلاصه مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

اول- رابطه مبتنی بر همکاری: از آنجا که شرکت‌های مدیریت جمعی اغلب به تنهایی وبدون صرف هزینه‌های سنگین قادر به سرمایه‌گذاری قابل توجه برای ایجاد شعبه در خارج نیستند لذا

۱. شیروی عبدالحسین و میرزایی محمد علی، "مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط"، مندرج در مجله فقه و حقوق سال چهارم شماره ۱۳ تابستان ۱۳۸۶، صص. ۱۵۹-۱۶۰.

نوعی همکاری بین این شرکت‌ها اجتناب ناپذیر است. به همین دلیل این شرکت‌ها اغلب قراردادهای نمایندگی متقابل با همتایان خارجی خود منعقد می‌کنند. این قراردادها به هریک از شرکت‌های مدیریت جمعی طرف قرارداد یاری می‌کند تا حقوق اعضای خود را تقریباً در تمام نقاط دنیا بصورت مؤثر مدیریت کنند. در چارچوب این توافقات هر یک از شرکت‌ها فهرست آثار و اجراهای پدیدآورندگان و مجریان عضو خود را در اختیار طرف قرارداد می‌گذارد تا با استفاده از ساز و کار حقوقی و کالت متقابل آنها را در سرزمین متبوع خود مدیریت کند. در نتیجه هر شرکتی نه تنها فهرست اعضای خود بلکه فهرست شرکت خارجی طرف قرارداد را در اختیار دارد^(۱) از منظر مصرف کننده، وجود انجمن‌ها و اتحادیه‌های مدیریت جمعی به دو طریق می‌تواند مفید واقع شود. در وهله اول، نیازی نیست که مصرف کننده برای دریافت مجوز بهره‌برداری از آثار به آفریننده آنها مراجعه کند و در مرتبه دوم چنانچه کاربر یک مجوز فراگیر بهره‌برداری از یک اثر تحصیل کند احتمال نقض کپی رایت توسط او عملاً صفر می‌شود. از سوی دیگر، مجوز فراگیر به کاربر آرامش خیال کامل می‌دهد زیرا می‌تواند هر اثر دارای حق مؤلف را از انجمن تقاضا کند و بدین ترتیب مجموعه کامل آثار و اجراهای دارای حق مؤلف جهان در دسترس وی قرار می‌گیرد^(۲).

دوم- رابطه مبتنی بر رقابت: در حقوق فرانسه هیچ مقررات قانونی وجود ندارد که بر اساس آن مدیریت جمعی مقوله‌های آثار و اجراهای مشترک باید در انحصار شرکت خاصی باشد. در نتیجه به‌عنوان مثال برای دریافت و تقسیم حقوق تهیه کنندگان آثار صوتی ممکن است دو یا چند شرکت مدیریت جمعی تشکیل شود و هر تهیه کننده‌ای می‌تواند شرکت دلخواه خود را انتخاب کند. فعالیت‌های شرکت‌های مدیریت جمعی تابع حقوق رقابت داخلی و اروپایی است. اداره جمعی حقوق مالکیت ادبی و هنری مرتبط با اجرا و نه وجود این حقوق است؛ امری که لزوم رعایت قواعد حقوق رقابت توسط این شرکت‌های دریافت و تقسیم حقوق را توجیه می‌کند. این کنترل بویژه از این حیث اهمیت دارد که این شرکت‌ها هر یک در زمینه خود خواه نسبت به کاربران و خواه نسبت به پدیدآورندگان و صاحبان حقوق فکری اغلب در موقعیت انحصاری عملی قرار دارند. این وضعیت انحصاری در بسیاری از موارد نه تنها ناگزیر بلکه مقصود است لذا هر چند بخودی خود نامطلوب نیست ولی باید مراقبت به‌عمل آید تا این شرکت‌ها از وضعیت انحصاری خود سوء استفاده نکنند. در نتیجه ضرورت دارد که شورای رقابت موقعیت صاحبان

۱. Pollaud-Dulian, Frédéric Op.cit., p. 710.

۲. اومدیو، دیوید، (۱۳۸۵)، "مدیریت جمعی آثار موسیقایی" مندرج در سخنرانی‌ها و مقالات همایش ملی بررسی حقوق مالکیت ادبی و هنری، زیر نظر م. ش. شکیب، خانه کتاب، صص. ۱۵۵-۱۶۹.

حقوق مالکیت فکری را در نظر بگیرد و در صدد اجرای بی‌کم و کاست حقوق رقابت بر فعالیت‌های شرکت‌های مدیریت جمعی برنیاید زیرا در اینصورت به ویژه در زمینه دستمزد عضویت پدیدآورندگان در این شرکت‌ها به جای امتیاز به ضرر مبدل خواهد شد. این رقابت به ویژه در محیط‌های الکترونیکی یا دیجیتال شکل دیگری بخود می‌گیرد. توضیح اینکه، بهره‌برداری از حقوق مادی آثار در ارتباطات اینترنتی و الکترونیکی به آسانی ممکن نیست، زیرا کاربران آثار هنری نظیر موسیقی برای استفاده از آثار مشترک و جمعی باید مجوزهای مختلفی از دارندگان حقوق متعدد دریافت کنند، لذا در چنین محیط‌هایی نیاز به یک مخاطب یگانه بیش از پیش به یک ضرورت تبدیل می‌شود.^۱ چنین ضرورتی ایجاد شعبه‌های مشترک چندین شرکت مدیریت جمعی را ایجاب می‌کند که خود می‌تواند به یک وضعیت مسلط در بازار محصولات فکری تبدیل شود با این حال، توافقات بعمل آمده بین تعداد زیادی از شرکت‌های مدیریت جمعی حقوق تولیدکنندگان آثار صوتی، مورد تأیید کمیسیون اتحادیه اروپا قرار گرفته زیرا به نظر کمیسیون چنین توافقاتی نه تنها موجب کاهش هزینه‌ها برای کاربران می‌شود بلکه دسترسی وسیعتر به آثار موسیقایی را ممکن می‌سازد و بطور همزمان پرداخت دستمزد تولیدکنندگان این آثار را نیز ممکن می‌کند.^۲

گفتار سوم - ملاحظات مرتبط با انتقال تجربیات حقوق فرانسه به حقوق ایران

انتقال تجربیات حقوق فرانسه به حقوق ایران به دو دلیل می‌تواند مفید شناخته شود. از یک سو، اساساً نزدیکی زیادی بین حقوق دو کشور بطور کلی وجود دارد به گونه‌ای که قواعد کمابیش مشابهی بر حقوق قراردادها، تعهدات و حقوق تجارت حکومت می‌کند. از سوی دیگر، نظام حاکم بر حقوق مالکیت ادبی و هنری در هر دو کشور ایران و فرانسه نظام حق مؤلف^۳ (و نه نظام کپی رایت^۴) است به گونه‌ای که در هر دو کشور نگاه‌ها بیشتر جنبه انسانی دارند تا اقتصادی و بعبارت دیگر توجهات عمدتاً معطوف به پدیدآورنده و مجری اثر است تا محصول فکری یا هنری. با این همه، انتقال قواعد حقوق فرانسه به حقوق ایران باید با در نظر گرفتن نیازهای فرهنگی

۱. Dreier, Thomas, (2007), " Competition in the field of collective management preferring, creative competition to allocative efficiency " in *European copyright law in Copyright law, a Handbook of Contemporary Research*, edited by Paul, Edward Elgar Publishing Limited., p. 276.

۲. Fédéric, Pollaud-Dulian, Op.cit., p.713.

۳. Droit d'auteur.

۴. Copyright.

بومی و ویژگی‌های حقوق ایران صورت گیرد. این ملاحظات را می‌توان بشرح زیر احصا کرد:

۱- در حقوق ایران نیز همانند حقوق فرانسه تعدد سازمان‌های مدیریت جمعی بجای وحدت آن توصیه می‌شود. دلیل چنین توصیه‌ای این است که از یک سو از ایجاد انحصار در این زمینه، که می‌تواند به تضییع حقوق صاحبان آثار ادبی و هنری و مجریان منجر شود، خودداری گردد و از سوی دیگر از دخالت بیش از پیش نهادهای قدرت در امور هنرمندان و نویسندگان اجتناب شود. در نتیجه چنین سازمان‌هایی باید به لحاظ اقتصادی متعلق به بخش خصوصی باشند؛

۲- شرکت‌های مدیریت جمعی در حقوق فرانسه در قالب شرکت‌های مدنی تشکیل می‌شوند که در فرانسه دارای شخصیت حقوقی هستند. این شرکت‌ها همان‌طور که گفته شد از قواعد ویژه‌ای پیروی می‌کنند که با نوع فعالیت این شرکت‌ها که عمدتاً فرهنگی است سازگاری دارد. در ایران امکان تشکیل سازمان‌های مدیریت جمعی در قالب شرکت‌های مدنی وجود ندارد زیرا این قبیل شرکت‌ها در حقوق ایران دارای شخصیت حقوقی نیستند. در نتیجه سپردن مدیریت حقوق صاحبان آثار و اجراها به شرکت‌های مدنی با توجه به دشواری قواعد ناظر به تصمیم‌گیری و اداره و انحلال و بطلان در این شرکت‌ها به هیچ‌وجه قابل توصیه نیست. شرکت‌های تجاری موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت نیز برای مدیریت جمعی حقوق مالکیت ادبی و هنری مناسب نیستند زیرا علی‌رغم مشابهت فراوان چنین مدیریتی با اعمال تجاری موضوع ماده ۲ قانون تجارت، ماهیت فرهنگی و اجتماعی فعالیت این سازمان‌ها ایجاب می‌کند ضمن بهره‌گیری از برخی مقررات حقوق شرکت‌های تجاری، این سازمان‌ها در قالب مقررات مرتبط با مؤسسات غیر تجاری انتفاعی موضوع ماده ۵۸۴ قانون تجارت تشکیل شوند. چنین قالبی بدلیل ماهیت انتفاعی آن امکان دریافت و توزیع حقوق پدیدآورندگان و مجریان آثار و سایر صاحبان حقوق مرتبط یا مجاور را فراهم می‌سازد بدون اینکه فعالیت در این زمینه مشمول مقررات حقوق شرکت‌ها شود.

۳- در خصوص انتقال قواعد خاص شرکت‌های مدیریت جمعی حقوق فرانسه به حقوق ایران باید بگوییم برخی از قواعد ناظر بر تشکیل و فعالیت شرکت‌ها نظیر کنترل تشکیل آنها توسط دولت و حسابرسی اجباری آنها و هم‌چنین محدوده اختیارات و تعهدات آنها در قبال اعضای شرکت و کاربران آثار فکری و اجراها با در نظر گرفتن ملاحظات حقوق داخلی قابل انتقال به حقوق ایران است.

۴- در انتقال تجربیات حقوق فرانسه به حقوق ایران باید مقتضیات محیط‌های سایبری و نحوه فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی در این محیط‌ها مدنظر قرار گیرد. درحقیقت فضای سایبر

علی‌رغم نقش بی‌بدیل آن در توسعه دانش و هنر دسترسی غیر مجاز به محصولات فکری را در هر زمان و هر مکان و برای هر شخصی به کاملترین شکل ممکن فراهم کرده و وظیفه سازمان‌های مدیریت جمعی در حفاظت و حمایت از حقوق پدیدآوردندگان آثار و اجراها را با دشواری‌های جدی روبرو ساخته است.^۱

۵- از آنجا که در حال حاضر با خلاء قانونی و حقوقی در زمینه مدیریت جمعی مواجه هستیم باید نسبت به وضع قانون (نه آیین نامه) در این زمینه اقدام شود. لایحه جامع مالکیت ادبی و هنری سال ۱۳۹۳ که مراحل تصویب خود را در مجلس شورای اسلامی طی می‌کند بهترین موقعیت برای چنین قانون‌گذاری است. بدیهی است باید توجه شود که قواعد ویژه این شرکت‌ها در قانون ذکر شود و از ارجاع آنها به آیین‌نامه جداً خودداری شود.^۲ در حقوق فرانسه ۱۲ ماده قانونی تقریباً مفصل به قواعد ناظر بر این شرکت‌ها اختصاص یافته است.

۶- در خصوص نحوه مداخله دولت در تشکیل مؤسسات مدیریت جمعی حقوق و نظارت بر فعالیت آنان به نظر میرسد هر چند تشکیل این قبیل مؤسسات را می‌توان موکول به اجازه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کرد ولی پس از تشکیل، هرگونه تعلیق فعالیت یا انحلال این مؤسسات باید با طرح دعوا توسط وزارت ارشاد در دادگاه‌های عمومی و پس از صدور حکم قطعی از این مراجع صورت گیرد و از تدوین هرگونه مقرراتی که زمینه دخالت مستقیم دولت در فعالیت این مؤسسات را فراهم سازد خودداری شود. همان‌طور که گفته شد در این زمینه وضع مقررات قانونی ضروری است.

۷- برای کنترل فعالیت‌های مؤسسات مدیریت جمعی و نظارت بر فعالیت آن تشکیل کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نمایندگان تشکل‌های صنفی پدیدآوردندگان که متخصص در زمینه فعالیت مؤسسه هستند نظیر خانه موسیقی، خانه سینما، کانون نویسندگان، کانون عکاسانو ... و یک قاضی یا حقوقدان توصیه می‌شود. در چنین کمیسیونی باید نمایندگان تشکل‌های صنفی در اکثریت باشند.

نتیجه

۱. Ricolfi, Marco, (2007), " individual and collective management of copyright in digital environment " in Copyright Law, a handbook of contemporary research, edited by Paul Torremans, Edward Elgard edition, pp. 283-314.

۲. در تأیید این دیدگاه نک، پور محمدی، شیما، پیشین، ص ۷۰.

از مباحثی که مطرح شد ویژگی‌های حقوق فرانسه در زمینه مدیریت جمعی حقوق مالکیت ادبی و هنری را می‌توان چنین برشمرد:

۱- فرانسه زادگاه مفهوم حقوق مدیریت جمعی است و اولین کشوری است که هنرمندان و دانشمندان بنام آن نظیر بالزاک و ویکتور هوگو شرکت‌هایی را برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار و اجرا کنندگان و سایر دارندگان حقوق مالکیت ادبی ایجاد کردند؛

۲- در حقوق فرانسه برخلاف برخی کشورهای دیگر، اصل تعدد سازمان‌های مدیریت جمعی پذیرفته شده است امری که منجر به اعمال قواعد حاکم بر حقوق رقابت در زمینه مدیریت جمعی حقوق مالکیت فکری شده است؛

۳- هرچند شرکت‌های فعال در زمینه مدیریت جمعی حقوق مالکیت ادبی و هنری که از آن به شرکت‌های دریافت و توزیع حقوق نام برده می‌شود متعلق به بخش خصوصی هستند ولی نظارت دولت بر تشکیل و فعالیت این شرکت‌ها کاملاً پررنگ است. با این همه دخالت دولت در امور این شرکت‌ها به اندازه‌ای نیست که اجازه دهد دولت راساً آنها را منحل یا فعالیت‌شان را به حالت تعلیق در آورد، کند بلکه وزارت فرهنگ فرانسه بدین منظور باید مستنداً به مقررات قانونی و با ارائه دلایل و مدارک کافی از طریق مراجع قضایی اقدام کند؛

۴- شرکت‌های دریافت و توزیع حقوق در فرانسه در قالب شرکت‌های مدنی تشکیل می‌شوند که از زمان تشکیل دارای شخصیت حقوقی هستند. شرکت‌های مورد بحث به لحاظ قواعد عمومی تابع مقررات ناظر بر شرکت‌های مدنی هستند ولی از برخی قواعد خاص این شرکت‌ها تبعیت می‌کنند که در شرکت‌های مدنی دیگر حاکم نیست؛

۵- حقوق موضوع مدیریت شرکت‌های دریافت و توزیع حقوق در فرانسه تقریباً مشابه حقوقی است که در سایر کشورها توسط سازمان‌ها یا مؤسسات مدیریت جمعی حقوق مدیریت می‌شوند؛

۶- با توجه به ماهیت فرهنگی و اجتماعی فعالیت شرکت‌های مدیریت جمعی در فرانسه، دعاوی ناشی از این فعالیت اعم از اینکه توسط تجار یا غیر تجار طرح شود در دادگاه‌های تابع حقوق عام (Tribunal de Grande Instance) مورد رسیدگی قرار می‌گیرد نه در دادگاه‌های تجارت این کشور

(Tribunal de Commerce)؛

۷- تکالیف و تعهدات شرکت‌های مدیریت جمعی حقوق مالکیت فکری در قبال اعضای خویش، کاربران و سایر شرکت‌های دریافت و توزیع حقوق عمدتاً در مقررات قانونی منعکس شده و مقررات آیین نامه بیشتر نحوه اجرا و اعمال این حقوق را مشخص می‌سازد.



فهرست منابع

الف) فارسی

- اعظم بیگی، علی، (۱۳۸۱)، "نگاهی به عملکرد تشکل‌های صنفی در حوزه حق مؤلف"،
مندرج در سخنرانی‌ها و مقالات بررسی حقوق مالکیت ادبی و هنری، زیر نظر سعید حبیب و
مرتضی شفیعی شکیب، خانه کتاب.
- او مدیو، دیوید، (۱۳۸۵)، "مدیریت جمعی آثار موسیقایی" مندرج در سخنرانی‌ها و
مقالات همایش ملی بررسی حقوق مالکیت ادبی و هنری، زیر نظر م. ش. شکیب، خانه کتاب.
- پورمحمدی، شیما، "حق مؤلف و حقوق مرتبط در سازمان‌های مدیریت جمعی"،
فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۴۵، ویژه نامه حقوق مالکیت فکری ۱۹۳۱.
- زرکلام، ستار، (۱۳۸۷)، حقوق مالکیت ادبی و هنری، انتشارات سمت، چاپ اول.
- شیروی، عبدالحسین و میرزایی، محمد علی، "مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط
"، مندرج در مجله فقه و حقوق سال چهارم شماره ۱۳ تابستان ۱۳۸۶.
- ماشوئل، بنو، (۱۳۸۵)، "مدیریت جمعی آثار موسیقایی" مندرج در سخنرانی‌ها و
مقالات همایش ملی بررسی حقوق مالکیت ادبی و هنری، زیر نظر م. ش. شکیب، خانه کتاب.

ب) انگلیسی و فرانسه

- Bertrand, R. André, (2011-2012), *Droit d'auteur*, Dalloz action, Dalloz.
- Colombet, Claude, (1997), *Propriété Littéraire et artistique et Droit Voisin*, 8^{ème}
éd. Dalloz.
- Cozian, Maurice, Viandier, Alain (1997), *Droit des Sociétés*, 2^{ème} éd. Litec.
- Dreier, Thomas, (2007), "Competition in the field of collective management
preferring, creative competition to allocative efficiency" in *European copyright law
in Copyright law, a Handbook of Contemporary Research*, edited by Paul, Edward
Elgar Publishing Limited.
- Fiscor, Mihaly, (2002), *Gestion Collective du Droit d'auteur et des Droits
Connexes*, éd. WipoGenéves in <http://www.wipo.int/tools/fr/gsearch.html>
- Pollaud-Dulian, Frédéric, (2005), *Le Droit d'auteur*, (corpus pour droit privé),
Economica.
- Ricolfi, Marco, (2007), "Individual and Collective Management of Copyright in
Digital Environment" in *Copyright Law, a handbook of contemporary research*,
edited by Paul Torremans, Edward Elgard edition, pp. 283-314.
- Schepens, Paula, (2000), *Guide sur la Gestion Collective des Droits d'auteur*,
Imprimé par UNESCO in <http://unesdoc.unesco.org/images/0012/001206/120677f.pdf>.